

جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران

رضا سیمبر^۱ و دانیال رضاپور^{۲*}

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۴ صص ۱۵۴-۱۳۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۵

چکیده

جمهوری اسلامی ایران با ظهور و بروز یک تحول گفتمانی در جامعه ایران قابل شناسایی است. این انقلاب نه تنها در وضعیت جامعه ایران نمایانگر تحولی گفتمانی و معنایی بود، بلکه توانست با ایجاد یک پیوند نشانه و معنای جدیدی را به منصف ظهور برساند. پژوهش حاضر در راستای شناخت مشخصه‌های این تحول گفتمانی به مطالعه نظریه پردازان اصلی این انقلاب: یعنی امام خمینی(ره) و آیت الله خامنه ای می‌پردازد و با توجه به محدودیت پژوهش برای مطالعه تمام جوانب تحلیل گفتمان رهبران انقلاب، یکی از چالش بر انگیزترین مباحث این گفتمان یعنی جایگاه و مقام زنان از منظر رهبران انقلاب انتخاب شده است. در همین راستا سوال ما از این قرار است: آیا در فرمایشات رهبران انقلاب اسلامی در ستایش و توصیف و تکریم جایگاه زنان خط فکری واحدی مشاهده می‌شود؟ یافته‌ها حاکی از آن است که با توجه به تحلیل گفتمان بیانات و فضای عقیدتی رهبران انقلاب که پیروی از آموزه‌های اسلامی را سرلوحه رویکرد و رفتار خود قرار داده‌اند، می‌توان بر عظمت مقام زنان و تجلیل از دستاوردهای آن‌ها تاکید کرد. همچنین رهبران انقلاب به صورت مداوم با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، برابری، مقام مادر، شجاعت، حق و تکلیف قائل شدن برای مشارکت در تعیین سرنوشت زنان تاکید می‌کردند و با ترفیع جایگاه زن در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی، معتقدند زنان باید عهده دار وظیفه ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های الهی باشند.

واژگان کلیدی: زنان، امام خمینی(ره)، آیت الله خامنه ای، تحلیل گفتمان، جمهوری اسلامی ایران.

^۱ استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان

*- نویسنده مسئول: danyalrezapoor@gmail.com

مقدمه

بررسی تاریخ ملل مختلف بیانگر ظلم و ستم‌هایی است که در ادوار مختلف نسبت به زنان اعمال شده است؛ تا بدان‌جا که آن‌ها را از رده انسان‌ها خارج و به صورت کلی در جهت منافع سوداگران قرار می‌داد. این گروه عظیم جامعه‌ی بشری با ظهور هر یک از ادیان الهی تا حدی از ستم‌ها در امان می‌ماندند و شأن و مرتبتی می‌یافتند که البته این وضع، دیری نمی‌پایید چرا که با اثر پذیری پیروان این ادیان از فرهنگ اقوام بدوی و بت پرست، باز همان ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها در حق آنان روا می‌شد تا جایی که در کتب مقدس ادیانی چون یهود و مسیحیت، برخی از قوانین ظالمانه بشری جایگزین قوانین الهی شده و به خدا و پیامبران الهی منتسب شده است این در حالی است که در بعضی از قسمت‌های این کتب، شاهد برخورد یکسان انبیای الهی با زن و مرد هستیم، مانند برخورد یکسان حضرت موسی (ع) با زنان و مردان، به طوری که هر دو قشر را با خطاب انسان، مردم و نظایر این‌ها مخاطب قرار می‌دهد و فرقی میان آنان قائل نمی‌شود (Bakhtiar and rezai, 2012: p2). از این رو می‌توان محتوای گفتمان سنتی درباره زنان را در سه محور اصلی تقسیم بندی نمود:

۱- زن و وضعیت طبیعی: مباحث مربوط به زنان در حوزه تفکر سنتی حول یک ایده کلی سامان می‌یابد که عبارت است از توجه به وضعیت ساختمان طبیعی (فیزیولوژی) زن در مقابل مرد، به عبارت بهتر تقدم هویت جنسی بر هویت انسانی. در گفتمان سنتی، تفاوت‌های موجود میان وضعیت طبیعی زن و مرد، ارتباط مستقیمی با تعیین حقوق و تکالیف هریک از آن‌ها دارد. چرا که «هیچ منطقی را در این رابطه قوی‌تر از منطلق فطرت نمی‌داند». و بنابراین منطقی مرد به لحاظ تفکر، تعقل و قدرت جسمانی برتر و زن به واسطه عواطف، ظرافت و زیبایی‌التر است.

۲- زن و خانواده: در گفتمان سنتی ویژگی‌ها و تفاوت‌های جسمانی، روانی و ذهنی زن و مرد، محوری‌ترین مبنای تقسیم کار در خانواده است. بر اساس آن سرپرستی و فرماندهی خانواده بر عهده مرد و تسلیم و فرمانبری وظیفه اصلی زن محسوب می‌شود. در توجیه این دیدگاه از روایات منتسب به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) استفاده می‌شود که از میان آن‌ها می‌توان به چند نمونه اشاره کرد: «مردی که اداره امور کلی خود را به زنان بسپارد هرگز سعادت‌مند نخواهد شد» و یا «مردم به هیچ صورت از زن اطاعت نکنید، هیچ مال به دست او ندهید، تدبیر امور زندگی را به وی وا مگذارید...» بر این اساس در گفتمان سنتی، زن در نظام خانواده، از جایگاه تصمیم‌گیری به دور بوده و عمدتاً وظیفه اطاعت و پیروی از همسر و تأمین نیازهای او را بر عهده دارد.

۳- زن و اجتماع: وضعیت زن در حوزه اجتماعی نیز عمدتاً با تقسیم کار مبتنی بر تفاوت‌های جنسی زن و مرد منطبق است چرا که از یک سو زن را مناسب برای انجام امور خانه داری و تربیت فرزند معرفی می‌کند و از سوی دیگر به واسطه امکان رواج فساد در اجتماع (به دلیل ویژگی تحریک‌کنندگی زن و تحریک‌پذیری مرد) بر عدم حضور اجتماعی زن تأکید می‌شود. حادثی نیز وجود دارد که با تکیه بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، صراحتاً زن را از اشتغال در اموری چون امارت و حکومت بر مردم، قضاوت و داوری، دفاع ابتدائی و تهاجمی، اجتهاد برای دیگران و شرکت در شورا منع کرده و عملاً زن را از حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری اجتماع کنار می‌گذارد (Ghamseri and Fasaei, 2012: p 5-6).

پیش از ورود به تحلیل گفتمان رهبران انقلاب در مورد جایگاه و تکریم مقام زنان، ضروری است که به گفتمان پهلوی که متأثر از فرهنگ غربی است، نیز پرداخته شود و درکی از گفتمان پهلوی که وابسته به گفتمان غرب است به دست آید. در ایران دوران پهلوی تعریف گفتمان رسمی در نظم گفتمانی هویت زنانه، بسیار متأثر از سه اپیستمه مهم هژمونیک شده فمینیست‌های لیبرال در آن دوره زمانی جغرافیایی است: «آزادی»، «عقلانیت» و «امروزی بودن» که همگی

تحت معرفت نهادینه شده‌تری چون «مدرن بودن» اند و به واسطه آن تعریف می‌شوند. هر یک از این دال‌های گفتمانی نیز در پیوندی انحصاری با «زن اجتماعی» قرار می‌گیرند. ایده معرفتی آزادی، آغاز تعریف مدرن خود را در جهان با انقلاب کبیر فرانسه و در ایران با دوره مشروطه و به-عنوان آزادی‌های سیاسی می‌یابد. این دال در طول سال‌ها به واسطه اهداف گفتمانی مسلط حکومت‌ها، به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بروز کرد و در یک نقطه مهم تاریخی کشف حجاب نیز- که در تاریخ هفدهم دی از سوی حکومت پهلوی اول رقم زده شد- به منزله مدلولی بر دال آزادی زنان خودنمایی کرد. به این وسیله، بی‌حجابی زنان ایرانی به منزله حق آنان برای آزادی تعریف شد. معنای گفتمانی «عقلانی بودن»، که در مقابل نگاه خرافه آمیز مطرح می-شود، همچنین «به روز بودن»، که در مقابل نگاه سنت گرا و با تعریف تخصص آمیز «واپس زدگی» نیز مطرح می‌شود، توسط گفتمان حاکم در زمان شاه استفاده می‌شود. این دال‌های مهم گفتمانی نیز از دال‌هایی است که از گفتمان تجددگرا به این دوره کوچ کرده‌اند. بنا به تعریف تجددگرایی و به روز بودن در این موقعیت زمانی جغرافیایی، مذهبی و پایبند به شعائر دینی بودن به عنوان جزئی از سنت گرایی و عقب ماندگی در مقابل تحولات تکنولوژیک دوره مدرن تلقی و در مقابل امروزی بودن و عقلانیت تعریف می‌شود. در همین راستا، گفتمان پهلوی دوم در پی ایجاد فضایی استعاری، سعی دارد خود را تا حد امکان از پیوند با گفتمان‌هایی که در جامعه ایران به حسب رویکردهای مذهبی مورد مذمت قرار می‌گیرند، جدا کند و خود را متمایز از آن‌ها

نشان دهد. با این وضعیت، گفتمان‌های غربی عموماً با محوریت مدرن بودن، پیشرفت اجتماعی و... شکل یافته اند و فقط در بعضی رویکردها بی بند و باری هم جزء نشانه‌های آن قرار می‌گیرد؛ که این‌گونه بازنمایی می‌شود که اولاً گفتمان پهلوی به دنبال چنین رویکردی نیست، ثانیاً زنان ایرانی با توجه به ویژگی‌ها و صفات اخلاقی که دارند، به سمت آنها گرایش پیدا نمی‌کنند. این در حالی است که آنچه هویت‌های مذهبی به منزله اندام نمایی و برهنگی به عبارت دیگر هرزگی تلقی می‌کنند و در انضمام آن و بدون نشانه و قالب گذاری «پوشیدن لباس‌های حداقلی برای زنان حتی در مقابل افرادی به جز خانواده» است، در این گفتمان موردپسند قرار می‌گیرد و مخالفت با آن رویکرد «قرون وسطایی» و «پارچه پیچ کردن» تلقی می‌شود (Kosari et al, 2017: p9-10). اما ظهور انقلاب اسلامی و تاکید بر مقام زنان به‌عنوان یکی از عوامل پیروزی انقلاب و نقش آن‌ها در صحنه‌ی سیاست و هدایت جامعه که برای زنان امکان رسیدن به بالاترین مقام مدیریت جامعه اسلامی و به دست گرفتن زمام امور مردم در دو نقش رهبری معنوی و حتی زعامت نیز خواستار آن بودند باعث شد سوال خود را در این مقاله این‌گونه مطرح کنیم: که آیا در فرمایشات رهبران انقلاب اسلامی در ستایش و توصیف و تکریم جایگاه زنان خط فکری واحدی مشاهده می‌شود؟ یافته‌ها حاکی از آن است که با توجه به تحلیل گفتمان بیانات و فضای عقیدتی رهبران انقلاب که پیروی از آموزه‌های اسلامی را سرلوحه رویکرد و رفتار خود قرار داده اند، می‌توان بر عظمت مقام زنان و تجلیل از دستاوردهای آن‌ها تاکید کرد. همچنین رهبران انقلاب به صورت مداوم با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، برابری، مقام مادر، شجاعت، حق و تکلیف قائل شدن برای مشارکت در تعیین سرنوشت زنان تاکید می‌کردند و با ترفیع جایگاه زن در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی، معتقدند زنان باید عهده دار وظیفه ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های الهی باشند. براین اساس، در سازماندهی مقاله پس از ارائه مختصری از پیشینه، ضرورت و اهداف پژوهش، به چهارچوب مفهومی و روش این پژوهش (گفتمان) پرداخته می‌شود، و در مبحث اصلی، مهم‌ترین محورهای تکریم جایگاه زنان در کلام و اندیشه‌های امام خمینی(ره) و آیت الله خامنه‌ای به بحث گذاشته می‌شود.

در پیشینه پژوهش، گروهی از نویسندگان سعی داشته‌اند با دو انگاری این موضوع را نشان دهند که زن در عصر قبل انقلاب شی مانند بوده است اما بعد از انقلاب، زنان با توجه به مکتب فرهنگی اسلام و برکت نهضت اسلام و رهبری امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری عضو فعال در جامعه شده‌اند. برخلاف نظام معنایی سنتی و مدرن، بعد از انقلاب اسلامی، زن‌ها به‌عنوان سوژه‌ای فعال، آگاه، انتخاب‌گر، و مسئول ساخته شده‌اند. (Ghamsari and sadeghi, 2012: Rahmati, 2007 kousari et all, 2017: fowzi, 2008). گروه دیگری از نویسندگان به مطالعه تاثیر

عفاف در قدرت یابی زنان در جامعه سیاسی ایران پرداخته اند. این نگارندگان معتقدند که عفاف و حجاب بانوان نه تنها مانعی برای حضورشان در اجتماع نخواهد بود، بلکه آنان با حفظ عفاف و پایبندی به آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از سیره بزرگان دین به عنوان عنصر تاثیر گذار در جریان روبه رشد انقلاب اسلامی نقش ایفا می‌کنند (Car, 2005; Ghasemi et all, 2016: 2000).

اهداف و ضرورت تحقیق

بازشناسی مولفه‌های اساسی و کلیدی اثر گذار جایگاه زنان از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی نیازمند مباحث نظری پویا است و این مقاله مبتنی بر تدابیر و اندیشه رهبران انقلاب، در هدایت گفتمان فرهنگی و فکری پژوهشگران و تعمیق مبانی تکریم مقام زنان موثر خواهد بود. از لحاظ عملی، این گفتار قادر است نویسندگان و تصمیم‌گیران را در فرآیند برنامه ریزی بلند مدت در فضای حساس هجمه بیگانگان ترغیب کند تا با توجه به مولفه‌های معرفی شده، متناسب با گفتمان اسلام در کشورمان، اولویت‌ها را انتخاب و اجرای آن‌ها را پیگیری نمایند و در صورتی که ماهیت تکریم مقام زنان با گفتمان درست و موفق مورد پذیرش قرار نگیرد و نتواند نسبت به سوالات جدید قابلیت پاسخ‌گویی داشته باشد؛ می‌تواند آثار و تبعات جنگ خانمان سوزی را که در دهه‌های اخیر در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در مورد زنان این مرز و بوم بسیار زیاده بوده است در جامعه کاملاً ماندگار بکند و ماهیت این نظام مقدس را مورد هدف قرار دهد.

روش تفصیلی تحقیق

توصیفی، تحلیلی با رجوع به استنادات تاریخی و مکتوب؛ این روش متداول در پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین الملل اغلب برای توصیف پدیده‌ها، حوادث و واقعیات موجود در سطوح گوناگون محیط بین الملل کاربرد دارد و بیشتر جهت اصلاح و رفع مشکلات ساختاری زمینه‌های مطالعه شده مورد بهره برداری قرار می‌گیرد بنابراین نمی‌توان از آن، انتظار روابط علی و معلولی پدیده‌ها و پیش بینی وقایع آینده و یا علت‌کاوی رخدادهای گذشته را داشت.

چهار چوب مفهومی

هر جامعه‌ای برای تداوم، نیازمند یک نظام معنایی است. البته، در کنار نظام معنایی مسلط ممکن است یک یا چند نظام معنایی فرعی و رقیب هم وجود داشته باشند، این نظام معنایی را برخی گفتمان می‌نامند. که می‌توان زبان را به صورت انتزاع یا از طریق گرامر و نحو و یا از طریق انضمامی آن و در کاربرد جامعه‌شناسانه آن فهمید. از این‌رو اگر بتوانیم خطابه را هم جز گفتمان

محسوب کنیم منشا تحلیل گفتمان به نظریات قدیم خطاب به می‌گردد (Van dick, 2001: p15). اصلاح گفتمان ظاهراً اولین بار در مقاله تحلیل گفتمان نوشته هریس به کار رفت که هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه و ساخت‌گرایانه از سازه‌های بزرگتر از جمله دارد و می‌گوید تحلیل گفتمان نگاهی صرفاً صورت‌گرایانه به متن است (Fakhamzadeh, 1996: p3). اما تحلیل گفتمان اصطلاحی است که اگر چه حوزه‌های بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد ولی هنوز تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. این واژه را در طی زمان با معانی متفاوت، ولی نزدیک به هم به کار برده‌اند؛ اما به گفته ون دایک مفهوم آن مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساساً مبهم می‌باشد (van dijk, 2001: p16). در مقابل عده‌ای معتقد بودند که تحلیل گفتمان شامل ساختمان زبان گفتار مانند: گفتگوها، مصاحبه‌ها، تفسیرها و سخنرانی‌هاست و از آنجایی که در تحلیل گفتمان فقط به بافت متن کار نداریم بلکه فراتر از آن به عوامل برون زبانی یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی سروکار داریم. پس می‌توان تحلیل گفتمان را چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام‌های زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (بافت متن) واحدهای زبانی؛ محیط بلافاصله زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی، عوامل برون زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی کرد (Lotfi Poursaedi, 1993: p10). در واقع، گفتمان‌ها نظام‌هایی خود بنیان هستند که برای رسیدن به قدرت، زبان و همه پدیده‌های اجتماعی دیگر را در سیطره خود می‌گیرند. به عبارتی، گفتمان، نظمی است شامل، که از زبان بزرگتر بوده و چگونگی آن را تعیین می‌کند (Soltani, 2004: p25).

دغدغه اصلی در نظریه گفتمان آن است که مردم در جوامع چه درک و شناختی درباره خود دارند. به عبارت دیگر، تعریف مردم در جوامع گوناگون از خودشان چیست؟ و به تبع این تعریف و شناخت، الگوی رفتاری آنها کدام است؟ (Marsh and stoker, 1999: p147). از دید لاکلا و موف، گفتمان کلیت ساختار یافته ناشی از عمل مفصل‌بندی است. مفصل‌بندی، هر نوع عملی است که رابطه‌ای را بین مؤلفه‌های متعدد برقرار کند؛ به گونه‌ای که هویت‌شان به علت قرار گرفتن در این مفصل‌بندی تحول یابد. از سوی دیگر، توانش به کار نرفته در واقع هر مفصل‌بندی را می‌توان «میدان گفتمان» نامید؛ به عبارتی، میدان گفتمان کلیه حالت ممکن است که گفتمان طرد می‌کند و درعین حال در خارج از خود، به آنها مرتبط می‌شود (Laclau and moufee, 1985: p20-23). به این ترتیب است که با استفاده از تحلیل گفتمان می‌توان علاوه بر توصیف یک گفتمان موجود، عوامل سازنده و علل شکل‌گیری آن در گذشته را نیز جستجو کرد. با کوشش برای تعریف گفتمان، ممکن است به لغت نامه‌ها، بافت ماده علمی، پاره گفتارها، یا به اصطلاحاتی که در تقابل

با گفتمان به کار می‌روند، متوسل شویم؛ هرچند هیچ یک از این تدبیرها معنایی سر راست و روشن به دست نمی‌دهند و بلکه تنها ماهیت متحول آن را به رخ خواهند کشید (Tajik, 2004, p24).

بنابراین در یک جمع بندی می‌توان گفت که در تحلیل گفتمان ما با دو عنصر کلیدی سروکار داریم:

۱- بافت متن: منظور این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است جملات ماقبل و مابعد آن چه تاثیری در تبلور کارکردی صوری معنایی آن دارد.

۲- بافت موقعیت: یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است مدنظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند.

پس اگر محقق گفتمان را به منزله متن (اعم از گفتاری و نوشتار) در نظر گرفته است سطح تحلیل او توصیفی (تحلیل متن) است؛ و اگر محقق گفتمان را به منزله کنش متقابل بین فرایند تولید و فرایند تفسیر متن در نظر می‌گیرد و می‌خواهد در بطن جریان تولید متن و متن و جریان تفسیر متن و متن را بررسی کند سطح تحلیل او ناظر به تحلیل فرایندها یا تفسیر متن است. اگر نهایتاً محقق گفتمان را بافت یا زمینه کلی‌ای که متن در آن تولید و تفسیر می‌شود در نظر بگیرد تحلیل او تبیینی و در عین حال اجتماعی است چرا که این سطح تحلیل نه تنها ناظر به کردار گفتمانی (کنش متقابل بین فرایندهای گفتمانی تولید و تفسیر متن و متن) است بلکه به کردار اجتماعی و فرهنگی یا به عبارت بهتر به بافت و زمینه کلی متن معطوف است (Tajik et al, 1999: p62). هرچند گفتمان مسئله‌ای زبانی است، اما با توجه به غنی بودن بار اطلاعاتی آن در دیگر رشته‌های علوم انسانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. مردم‌شناسان و قوم‌نگاران، پژوهش‌گران علوم ارتباطات و نشانه‌شناسی و چندین حوزه دیگر نیز هر یک به نوعی گفتمان را مرتبط با کار خود معرفی می‌کنند و در نتیجه با رویکرد خاص رشته خود به ارایه چارچوب‌های نظری و انباشت دانش می‌پردازند (Aghagul Zadeh, 2004: p1). پس اهداف تحلیل گفتمان می‌توان به نشان دادن تاثیر بافت متن و بافت موقعیتی بر روی گفتمان، نشان دادن بی‌ثباتی معنا، یعنی معنا همیشه در حال تغییر است؛ هرگز کامل نیست و هیچ وقت به طور کامل درک نمی‌شود تلقی کرد (Tajik et al, 1999: p52).

تحلیل گفتمان خود را به لحاظ سیاسی بی‌طرف نمی‌داند، بلکه خود را رویکردی انتقادی به شمار می‌آورد که به لحاظ سیاسی متعهد به تغییر است. رویکردهای تحلیل گفتمان تحت عنوان رهایی بخشی جانب گروه‌های اجتماعی ستمدیده را می‌گیرند. رویکردهای تحلیل گفتمان به گفتمان و ایدئولوژی متفاوت است و برخورداری یا عدم برخورداری آن‌ها از روش تجربی و پیشینه

تاریخی بعد دیگریست که اینها را از یکدیگر مجزا می سازد: Philips, and Jorgensen, 2010: p116). در واقع تحلیل گفتمان مورد توجه قشر گسترده‌ای از نظریه پردازان قرار گرفته است. با این حال در زمینه تحلیل گفتمان از بعد اجتماعی، موثرترین دیدگاه به «نورمن فرکلاف» اختصاص دارد. فرکلاف چارچوب سودمندی برای تحلیل گفتمان به مثابه کارکرد اجتماعی تدوین کرده است. او تحلیل متن را بر دو گونه می‌داند: تحلیل زبانشناختی و تحلیل بینا متنی. او بر این باور است که تحلیل زبانشناختی دامنه‌ای بسیار گسترده دارد که علاوه بر سطوح متعارف آن (نظیر واج شناسی، دستور زبان تا حد تحلیل جمله و واژگان و معنا شناسی)، مسایل فراتر از حد جمله در متن را نیز تحلیل می‌کند، مسایلی همچون انسجام بین جمله‌ای و جنبه‌های گوناگون ساختار متون که مورد بررسی تحلیل‌گران مکالمه قرار می‌گیرد «یکی از این جنبه‌ها ویژگی‌های گفتگو از جمله سازماندهی نوبت در گفتگو است» (Ferkelaf, 2000: p121). از دید فرکلاف، گفتمان همان زبان به منزله کنش اجتماعی است. این تعریف با تعریف گفتمان تحت عنوان کاربرد زبان دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است. شباهت شان در این است که گفتمان طوری به کار رفته است که به مفهوم قطعه‌ای از زبان به هنگام کاربرد واقعی است و تفاوتشان نیز از دو جهت است، نخست این که زبان به مثابه کنش اجتماعی با کاربرد زبان متفاوت است؛ زیرا در این حالت زبان با دیگر کنش‌های اجتماعی پیوند می‌خورد و صرفاً به مثابه حوزه‌ای متفاوت رها نمی‌شود. دوم تصور می‌شود که فرکلاف برخلاف سنت دو قطبی نگری زبانشناسی پسا سوسوری که در پی یافتن نوعی رابطه بین زبان و اجتماع است، سعی دارد نشان دهد که کاربرد زبان به خودی خود همیشه عملی اجتماعی است. علاوه بر این چنین اعمالی، اعمال فردگرایانه کاربران زبان در انزوایی زبان شناختی نیز نیستند؛ بلکه تحت حاکمیت شرایط ایدئولوژیک و اجتماعی گسترده‌تر جامعه قرار دارند» (Aghagul Zadeh, 2004: p150).

با مطالعه و تعمق مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که ادعای تحلیل گفتمان این است که کردارهای گفتمانی در خلق و بازتولید روابط نابرابر قدرت میان گروه‌های اجتماعی مثلاً میان طبقات اجتماعی، زنان و مردان، اقلیت‌های قومی و اکثریت نقش دارد و این تاثیرات را به مثابه تاثیرات ایدئولوژیک پنداشته‌اند. بنابراین تحلیل گفتمان به این معنا انتقادی است که هدفش آشکار ساختن نقش کردارهای گفتمانی در جهان اجتماعی است؛ از جمله آن نوع روابط اجتماعی‌ای که شامل روابط نابرابر قدرت هستند که هدفش سهمیم شدن در ایجاد تغییرات اجتماعی در راستای روابط متعادل تر قدرت در فرایند ارتباطات و در جامعه به طور عام است (soltani, 2004: p53). در همین راستا، رهبران بزرگ در تبلیغ نظریه‌ها و تولد و اعتبار یابی گفتمان‌ها، نقش مهمی دارند. به عبارت دیگر آن‌ها در ذیل گفتمان مورد نظر خود، نظریه‌ها و گزاره‌های بنیادین اندیشه خود را

مطرح و سپس آن را غالبیت می بخشند. بنابراین کاوش در گفتمان رهبران بزرگ، امروزه یکی از شیوه های راهگشا به نظریات ایشان در ابعاد سیاسی، اجتماعی و حتی دینی و فرهنگی محسوب می گردد. واقعیت آن است که شیوه تحلیل گفتمان، به دلیل تفاوت های بنیادی با شیوه های کلاسیک پوزیتیویستی در نگرش به مسائل اجتماعی و سیاسی، خود را بسیار کارآمدتر نشان داده است (Rouhani, 2012: p3).

گفتمان امام خمینی(ره) و جایگاه زنان

امام خمینی از ابتدای دهه چهل به تدریج به یگانه رهبر ائتلاف انقلابی علیه حکومت پهلوی تبدیل شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به عنوان مهم ترین نخبه سیاسی و سمبلیک در رأس هرم قدرت سیاسی و مذهبی جامعه شناخته شد. گفتمان امام خمینی به عنوان کسی که از بالاترین میزان مشروعیت، اقتدار، نفوذ سیاسی و کنترل بر منابع مادی و معنوی در عرصه عمومی برخوردار بود، سهمی بسزا در تعیین سرنوشت سوژه جنسیتی بر ساخته در آستانه انقلاب اسلامی و دوران پس از آن ایفا نمود؛ سوژه ای که نه به مواضع مرسوم فقهی سنتی شباهت چندانی داشت و نه با مواضع مدرنیستی حکومت سابق (Ghamseri and Fasaei, 2012: p9). این امر به هنگام اقامت در پاریس در پاسخ های ایشان در مقابل پرسش های متعدد خبرنگاران داخلی و خارجی درباره جایگاه زن در نظام اسلامی آینده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دیدارها، سخنرانی ها و پیام های ایشان خطاب به زنان به خوبی مورد تأیید قرار می گیرد. با مطالعه اکثر متن های سخنرانی، مصاحبه و پیام ایشان، می توان عمده ترین محورهای معنایی آنها را با محوریت مضامینی چون آزادی، فعالیت سیاسی و اجتماعی، مجاهدت انسانی، ایثار و فداکاری، تعهد، عفت، تحول روحانی، وحدت کلمه، هوشیاری و شهادت طلبی زنان مشخص نمود. از این رو در نخستین ماه های پیروزی انقلاب اسلامی، امام قاطعانه اعلام می کند: «اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می دهد. این خرابه ای که برای ما گذاشته اند، باید به دست همه ملت ایران، چه مردان و چه زنان ساخته شود و در این برهه جدید زنان باید در سیاست اساسی مملکت دخالت کنند و هر موقع که اقتضا کند نهضت و قیام کنند» (Khomeini, 2008: c8: p213). در گفتمان امام (ره) بزرگترین دستاورد انقلاب تحول حاصل شده در بانوان ایران بود و این تحول بیش از تحولی است که در مردان حاصل شد. همچنان که ایشان در جای دیگر اضافه می کند که «اگر نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت به غیر از این تحولی که در بانوان و در جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما» (Khomeini, 2008: c14: p130). بنابراین در ادامه پژوهش سعی شده، تا حد امکان ایده های گفتمانی امام(ره) در حوزه تکریم مقام زنان

شناسایی شود. این کار با استفاده از سخنان و بیانات امام خمینی(ره) در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی انجام گرفته است:

۱- در گفتمان امام خمینی، اسلام سیاسی به عنوان یک منبع اعتبار بخش جدید برای تغییرات مثبت زنان تعریف می گردد و با شعار "اسلام راه حل است" تزیین شده است. ایشان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادات می نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می دانند. منطق چیره در ساختار این گفتمان، ساختاری دو وجهی از اندیشه و کنش را فراوری می نماید که در آن مبانی ایدئولوژیک و منافع ملی، هر چند با جایگاه متفاوت، در کنار یکدیگر قرار می گیرند (Asadi et al, 2015: p7). هم چنین ایشان با طرح این مسئله که اسلام یک دین سیاسی است و در نتیجه دخالت روحانیون در امور سیاسی امری ضروری است به اهمیت دخالت زنان همچون روحانیون در امر سیاسی و تکلیف آن‌ها در این خصوص اشاره می کند. امام در این زمینه می فرماید: «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند. تکلیف‌شان این است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت کنند. تکلیف آن‌ها است. دین اسلام یک دین سیاسی است و همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش» (Khomeini, 2008: c12: p67). به عبارتی امام(ره) ضمن تاکید بر این امر که فعالیت زنان در عرصه سیاست هم به عنوان حق و هم به عنوان تکلیف تعریف می شود، حضور و فعالیت زنان در عرصه سیاست را همانند روحانیون به یک اندازه مهم تلقی می کند. از طرف دیگر می توان چنین استنباط کرد که در گفتمان ایشان نه تنها روحانیون بلکه همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست فقط وارث دولت، مجلس یا افرادی خاصی نیستند. سیاست معنایش همین وضع قوانین و رهنمودهایی است که در یک کشور وضع می شود که از حیث اداره و موفقیت و شکست‌ها، همه اهالی کشور در این معنا دارای حق و تکلیف می شوند. این بیانات در حالی ایراد می گردد که نوعاً عرصه سیاست عرصه ای مردانه تلقی می گردید و از سوی دیگر شبهاتی مبنی بر جدایی دین از سیاست طی سال‌ها القا می شد و امام با طرح این دو نکته مفهوم سیاست را با دو مفهوم دیگر «زنان» و «اسلام» پیوندی بنیادی می زند (Ghamseri and Fasaei, 2012: p14).

۲- آنچه در گفتمان ایشان بیش از هر چیز به چشم می آید، ضرورت حضور و فعالیت اجتماعی زنان در دوران استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی است؛ امری که در دوران حکومت پهلوی به علت فضای ناامن اجتماعی بارها مخالفت خود را با آن اعلام کرده بودند؛ به بیان ایشان «البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن مانعی ندارد، لکن نه آن طوری که رژیم پهلوی می خواستند. آن‌ها نظرشان این نبود که زن اشتغالی پیدا بکند. نظرشان بر این بود که زنان را مثل مردها، هم زنان و هم مردها را از آن مقامی که دارند منحط کنند. نگذارند یک رشد طبیعی برای زن پیدا

شود» (Tebyan, 1999: p70). از طرف دیگر، طرح موضوع عفت عمومی و حفظ آن شرط اساسی است که مفهوم مشارکت اجتماعی را در گفتمان امام خمینی به عنوان مهم ترین تدوین گر گفتمان انقلاب اسلامی از مفهوم همین واژه در گفتمان مدرنیزاسیون متمایز می کند و در عمل نیز چنین مفهومی از مشارکت اجتماعی زنان پس از انقلاب مشروط به حفظ حجاب و شئون مذهبی در اشکال متنوع خود شد (Ghamseri and Fasaei, 2012: p16). ایشان نقش و اهمیت زنان را در پیروزی انقلاب که یک مشارکت سیاسی است فراتر از مردان دانسته و در سخنانی بر نقش مضاعف زنان با عفت در انقلاب و پیشبرد نظام اسلامی چنین تأکید می کنند: «حتی زنان در انقلاب پیشرو مردان هستند، زنان در صف اول واقعه حضور دارند برای اینکه مردها هم از آنها شجاع شدند، از مجاهدات آنها تشجیع شدند. شماها به اسلام خدمت کردید و بعد از این انشاءالله خدمت می کنید. شما شیرمردان و شیرزنان در ایران تربیت می کنید. دامن شما دامن عصمت، عفت و عظمت است» (Khomeini, 2008: c6: p501).

۳- هر چند در گفتمان امام خمینی (ره)، زنان حق حضور در تمامی امور را دارا می باشند اما مقام مادری دارای جایگاه ویژه ای است و به همین سبب مادری را بالاترین شغل، شغلی شریف، شغل معلمی، بالاتر از معلمی و شغل انبیا و انسان سازی می داند و به همین سبب مادر بودن و تربیت فرزندان را اصلی ترین وظیفه ی زن و جدا کردن فرزند را از مادر از عوامل انحطاط جامعه می داند: «در طول این سلطنت، اینها کوشش کردند که مادران را از بچه ها جدا کنند، به مادرها تزریق کردند که بچه داری چیزی نیست، شما توی ادارات بیایید و اینها بچه های معصوم را جدا کردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی و غیر رحیم آنها را به تربیت فاسد تربیت می کردند. بچه ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد عقده پیدا می کند، عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می شود. بسیاری از قتل هایی که واقع می شود، از روی همین عقده هایی است که پیدا می شود و بسیاری از عقیده ها از این پیدا می شود» (Khomeini, 2008: c4: p186).

۴- مبانی استراتژیک و راهبردی هم در گفتمان امام خمینی (ره) جایگاه ویژه ای دارد به ویژه از رهگذر الزامات جنگ تقویت شده و استوارتر گردیده است. بر پایه این منطق، جمهوری اسلامی باید به گونه ای روز افزون بر اقتدار و هیبت خود بیافزاید تا زمینه افزایش امنیت و اقتدار خود را فراهم آورد (Asadi et all, 2015: p18). در همین راستا ایشان در سخنان راهبردی از حضور زنان در جبهه های ضد استکباری می فرمایند: «چه افتخاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابر قدرت ها و وابستگان آنان در صف اول، ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده اند، در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت

نشده است» (Khomeini, 2008: c16: p194). در کنار همه این نقش‌ها و وظایف، نقش و جایگاه مهم دیگری در کلام رهبری انقلاب و نظام سیاسی برآمده از آن برای زنان ترسیم می‌شود که آن انسان‌سازی و تربیت افراد جامعه است. «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر خود که یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، از خدمت همه کس بالاتر است؛ این امری است که انبیا می‌خواستند» (Khomeini, 2008: c14: p197).

۵- اندیشه امام خمینی استوار بر مجموعه‌ای به هم پیوسته از تعامل‌ها و تقابل‌ها و همگرایی‌ها بر پایه اصول اسلام انقلابی و اصلاح‌گرایانه انقلاب اسلامی است. بنابراین شاید بتوان محوری‌ترین نقش‌ها و ویژگی‌هایی را که در پرتو کلام امام خمینی (ره) در حکومت اسلامی به زن منسوب می‌شود در نخستین سخنرانی که ایشان در حضور زنان قم در ۱۳ اسفند ۱۳۵۷ ایراد فرمودند، ملاحظه نمود. ایشان در این باره فرمودند: «خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد. همه برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آنها که می‌خواهند زن‌ها را ملعبه مردان و جوان‌های فاسد قرار بدهند خیانت کارند. زن‌ها نباید گول بخورند؛ زن‌ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزرگ کرده بیرون برود، با سر باز و لخت بیرون برود این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است نه زن. زن باید شجاع باشد؛ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم‌ساز است؛ زن مربی انسان است» (Khomeini, 2008: c6: p299). نکته اینکه امام خمینی (ره) با دیگری‌سازی و بازنمایی از گفتمان متخاصم خود، در واقع به نوعی هویت‌گفتمانی خود را نیز تعریف کرده است؛ براساس قاعده‌ای که گفتمان‌ها با بازنمایی گفتمان رقیب به توصیف هویت‌گفتمانی خود نیز می‌پردازند. به این معنا آزادی، پیشرفت و تمدن به عنوان دال‌های شناوری هستند که جزئی از مفصل بندی گفتمان رهبری جمهوری اسلامی نیز محسوب می‌شوند. بنابراین در گفتمان امام با رد شبهاتی که در زمینه محدود شدن زنان در یک نظام اسلامی وجود داشت، بر این امر پافشاری می‌کرد که زنان نیز مثل مردان در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. به اعتقاد ایشان زنان در همه شئون دخالت دارند. ایشان با تأکید بر این نکته که ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانی برسد و زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد، هم به نفی گذشته می‌پرداختند و هم نگاه خود را نسبت به آینده بیان می‌داشتند. بر اساس همین نگرش بود که زنان نیز در لیبیک به اظهارات مؤکد امام در طی ماه‌هایی که منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی شد، به یک‌باره با حضور در صحنه تظاهرات و فعالیت‌های اجتماعی دیگر که به سقوط رژیم پهلوی منجر شد، با رد و نفی نگرش شیء نگران به

خود، حضور خود را در صحنهٔ اجتماع به منصفه ظهور رساندند. توجه به این نکته ضروری است در این دوره خصوصاً حضور زنانی که در طی دوره‌های گذشته، خود و خانواده‌شان محیط را مناسب برای حضور نمی‌یافتند، بیش از پیش جلب توجه می‌نماید. به عبارتی با امنیت خاطر که از کلام امام برای حضور زنان ایجاد می‌شود، خیل زنان از صنوف و طبقات و سنین مختلف از این زمان به بعد در صحنه حاضر می‌شوند و حضور در فعالیت را به عنوان یک وظیفه و حق اساسی برای خود تلقی می‌نمایند. (Portal of Imam Khomeini, 2017/8/02).

در پایان این بخش با بررسی نظرات، موضع‌گیری‌ها و عملکرد امام خمینی(ره) در دوران حیات سیاسی - اجتماعی‌شان، می‌توان این چنین نتیجه‌گیری نمود که دال مرکزی گفتمان امام (ره) ضمن تأکید بر جامعیت اسلام و احیای هویت اسلامی زنان «حفظ عفت و دینداری» است که این دال شکل دهنده به همه معانی گفتمان امام (ره) در حوزه زنان است. زیرا در گفتمان امام خمینی، جنبه الهی حکومت از جنبه مردمی آن تفکیک پذیر نیست، و مردم با اراده جنبی، حاکمیت قانون خدا را پذیرا می‌شوند، از این رو، چنین حکومتی هم مظهر اراده الهی و هم تبلور اراده جنبی مردم است. در گفتمان سیاسی امام با وجود این که حاکمیت مطلق از آن خداست، لکن انسان بر سرنوشت خویش حاکم است و کسی نمی‌تواند این حق را از وی کسب کند یا در خدمت فرد یا گروه خاصی قرار دهد. در گفتمان امام، زنده شدن ارزش‌های اسلامی و حاکمیت دین اسلام به معنای زنده شدن منابع قدرت اسلامی است که از طریق اثر گذار بر ذهنیت و عواطف انسانی اعمال قدرت می‌کند. در این گفتمان یک جوشش درونی منطبق با ذاتیات انسان است. بنابراین فرایند تقویت جایگاه زنان در مرحله اول تغییر در ارزش‌ها و اولویت‌ها و شیوه زندگی شروع شد که توانست فرهنگ دینی را در مقایسه با فرهنگ ملی جهت دهنده خط مشی حرکت‌ها و فعالیت‌های جامعه برتری دهد. و با مروری هر چند اجمالی بر گفتمان و سیره عملی حضرت امام خمینی(ره) می‌توان دیدگاه‌های ایشان در مورد زنان را ذیل سه مقوله به صورت کلی جای داد: ۱- تبیین الگوی مطلوب زن مسلمان؛ تأکید ایشان در این زمینه بر محور تبیین شخصیت الگویی زنان در جهان اسلام بود. در این الگو سازی‌ها به نقش اجتماعی زن مسلمان تأکید می‌شود که ضمن رعایت قوانین و قواعد اسلامی در اجتماع حضوری موثر و تعیین کننده دارد. ۲- توصیف وضعیت عینی و اجتماعی و فرهنگی زمان پیش و پس از انقلاب اسلامی، اندیشه‌های ایشان در این بخش بر آسیب شناسی وضعیت اجتماعی - فرهنگی زنان پیش از انقلاب اسلامی و تبیین جایگاه و نقش ارزشمند زنان مسلمان در نهضت‌های اسلامی معاصر به ویژه انقلاب اسلامی ایران و در جوامع اسلامی متمرکز می‌شود. ۳- ارائه راهبردها و رهنمودهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مربوط به مساله زنان در راستای موضع‌گیری خویش نسبت به آن‌ها در برهه‌های مختلف نهضت اسلامی.

گفتمان آیت الله خامنه‌ای و جایگاه زنان

رهبری در جمهوری اسلامی دارای جنبه‌های دینی، قانونی و کارزماتیک است. داشتن چنین جایگاهی، نقشی فرادستی و بی‌بدیل به دارنده این مقام در سودهی به فرآیندها و سیاست‌های کشور داده است. رهبری، به عنوان فصل الخطاب، سیاست‌ها را تعیین و ضامن بقای گفتمان انقلاب اسلامی است. گفتمان سیاسی آیت الله خامنه‌ای به گونه‌ای عام در پیوست با اندیشه امام خمینی بازخوانی می‌شود. و با توجه به جایگاه مهم رهبری در قانون اساسی و ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی آیت الله خامنه‌ای از نقش اثر گذار و بی‌بدیلی در تعریف گفتمان، اهداف و تعیین جهت‌گیری سیاست‌های کلان کشور برخوردار است (see to: asadi, 2014: p2-3). اما با وجود قانون اساسی و ساختار دموکراتیک نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، آن مفهوم نهایی با به اصطلاح دال برتری که باعث تولید معنا برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در تمامی عرصه سیاست داخلی و خارجی شده است و نیز دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای را به عنوان رهبری انقلاب اسلامی ایران و سازنده و شارح اصلی گفتمان اسلامی در عرصه داخلی و خارجی را شکل داده است، خود دین اسلام است (Ajili et al, 2013: p6). از این رو، به یقین می‌توان گفت: از جمله عنایات الهی به جامعه اسلامی؛ وجود رهبر فرزانه؛ مجتهد و فقیه مسلم، آشنا و آگاه به تمامی مسائل است و کمتر کسی را در میان فقها و غیر فقها می‌توان یافت که همچون ایشان در ارائه مسائل - سیما و شخصیت و جایگاه زن - از منظر اسلام با نگاه فراگیر کوشیده باشد. هیچ فردی در دنیای امروزی به اندازه مقام معظم رهبری از حقوق زنان دفاع نکرده است. با مراجعه و مطالعه بیانات ایشان در می‌یابیم که چگونه مطالبات خود را از دنیای غرب مطرح نماییم که چرا باید زن در دنیای غرب مورد ستم قرار بگیرد؟ ما باید از غرب بپرسیم که چرا کرامت زن در تمام دنیا مخصوصاً گفتمان غرب لگدمال شده است؟ از این رو با تقسیم بندی بیانات و گفتارهای معظم له در می‌یابیم که رهبر انقلاب سال‌هاست در رأس مسائل مهم به موضوع تکریم جایگاه و مقام زن پرداخته اند:

۱- این نگاه جدید در قالب کُنش‌گری و فعالیت «زن مسلمان ایرانی» عینیت یافت و به تعبیر حضرت آیت الله خامنه‌ای «الگوی سوم زن» را تحقق بخشید. الگویی که «نه شرقی است و نه غربی»: «زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و

اجتماعی نیز، سنگ‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمان آورد» (The Hadith of Providence, 2012/06/16).

۲- تقدم اسلام و ویژگی اسلامی زنان در گفتمان ایشان کاملاً مشخص است: «وقتی که به صحنه تفکرات عالم نگاه می‌کنیم و بینش اسلام را مشاهده می‌نماییم، به روشنی درمی‌یابیم که جامعه بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسئله زن و رابط زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا کند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن‌ها را ارائه کند. این ادعای ما نسبت به مسئله زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدن‌های مادی امروز نسبت به زن عمل می‌شود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صلاح زن و کل جامعه نمی‌شماریم. اسلام می‌خواهد که رشد فکری، عملی و اجتماعی و سیاسی و بالاتر از همه - فضیلتی و معنویتی زنان به حد اعلیٰ برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری به عنوان یک عضو - حد اعلیٰ فایده و ثمر را داشته باشد» (The Hadith of Providence, 2002/03/16). تثبیت و نهادینه‌سازی الگوی زن مسلمان با تمسک به الگوهای برجسته‌ی دینی و غلبه بر فرهنگ منحنی غربی در مسئله‌ی زنان، در گفتمان ایشان مأموریتی مهم و کلان برای زنان مسلمان و انقلابی ایران است. «زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوشش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آن‌چنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. این امروز وظیفه‌ی است بر دوش زنان مسلمان... الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان. شما بدانید زنان مسلمان در بسیاری از نقاط دنیا امروز به شما نگاه می‌کنند و از شما یاد می‌گیرند» (The Hadith of Providence, 2000/01/30).

۳- درآموزه‌های دینی شخصیت و جایگاه زن در مقام مادری و تکریم و احسان زن به عنوان مادر بعد از مسئله توحید از مهم‌ترین واجبات به حساب آمده است. زیرا مادر مظهر محبت، امنیت، رحمت، عطوفت و مهربانی است. دامان مادر، نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است. در گفتمان آیت الله خامنه‌ای: «اولین و اساسی‌ترین و پُراهمیت‌ترین شغل زن، مادری است. اگر رئیس جمهور هم بشود، اهمیتش به اندازه اهمیت مادری نیست. یک مادر خوب بودن، اهمیت و ارزشش از ریاست جمهوری هم بالاتر است، برای این کار عاطفه الزام است. خدا این موجود را با این عواطف خروشان آفریده تا مادری لنگ نماند، اگر مادری لنگ بماند، نسل انسان منقطع می‌شود، یا انسان‌هایی که به جامعه وارد می‌شوند، انسان‌های کامل و درست و حسابی و معتدلی نخواهند

بود». از نظر ایشان «مادر از هر سازنده ای، سازنده تر و با ارزش تر است. بزرگ ترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک های قاره پیمای بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ یک از این ها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد و او، مادر است» (The Hadith of Providence, 1994/06/12).

۴- تکریم شخصیت زن از دیدگاه اسلام، محدود به مقام مادری نیست. قداست زن در موقعیت دختری و به عنوان عضوی از اعضای خانواده نیز باید محفوظ بماند. بر اساس روایات بهترین مرد، کسی است که برای دخترش بهتر است. در همین راستا گفتمان ایشان با استفاده از آموزه های دینی، شخصیت زن را بیان نموده است که گل و ریحانه است: «در روایات داریم زن گل است. حال شما ببینید، اگر مردی با یک گلی با خشونت و بی اعتنائی رفتار کند و پاس گل بودن او را نداند، چقدر ظالم و بد است. مثل تحمیل کردن، زیاده روی کردن، زیاده خواهی کردن مردها از زن ها، توقعات بیجا و زیادی. این زن، کارپرداز شما نیست همه کارهای زندگی تان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این یک گلی است در دست شما ... حتی درباره تبیین این دیدگاه اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است» (The Hadith of Providence, 2005/01/08).

۵- گفتمان ایشان در مورد زن و مرد در جوهر و ماهیت انسانی با یکدیگر برابر و یکسانند و تمایزی در حقیقت و ماهیت این دو صنف نیست. در عین حال، تفاوت های بین زن و مرد وجود دارد که شناخت وجوه تساوی و تمایز جنس زن و مرد می توانند ما را به شناخت صحیح در تعیین شخصیت و جایگاه واقعی زن رهنمون سازد و از افراط و تفریط بر حذر دارد. «طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است». دیدگاه اسلام در درجه اول نسبت به انسانیت زن است نه جنسیت او؛ از این رو، خطابات قرآن نسبت به زن و مرد به صورت مساوی است و با خطابه «یاایها الناس ویاایها الذین آمنوا»، انسان را چه زن و چه مرد مورد خطاب قرار داده است. جنسیت یک امری ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می کند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنا پیدا نمی کند، حتی کارهایشان باهم متفاوت است. در گفتمان ایشان «اسلام با نظر کرامت به زن نگاه می کند. همه خصوصیات انسانی میان زن و مرد مشترک است. یک انسان قبل از آنی که اتصاف پیدا کند به زن بودن، یا مرد بودن، متصف است به انسان بودن. در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند. نگاه اسلام این است. خصوصیات جسمی ای خدای متعال در دو جنس قرار داده است که هر کدام نقشی در ادامه آفرینش، در رشد و تعالی انسان، در حرکت تاریخ بر عهده دارند؛ و نقش زن مهم تر است» (The Hadith of Providence, 2017/05/04). می توان بیان کرد که زن و مرد در ارزش ها و فضیلت ها، در تکالیف و مسؤولیت ها، در جهاد دفاعی، در پاداش و کیفر، در کسب کمال، فضائل و مقام علمی، در علم آموزی و ... برابر هستند و تفاوت هایی در جسم، احساس و اندیشه، روان و ... نیز دارند. زنان

با حفظ حجاب، حفظ اصل مادر بودن برای فرزندان و تربیت آنان، حفظ کدبانو بودن، ملعبه قرار نگرفتن، حفظ کرامت زن بودن، می تواند در امور و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی حضور پیدا کنند. در پیروزی انقلاب اسلامی، حفظ ارزش‌های انقلاب نیز در گرو حضور زنان و نقش سازنده آنها بوده است. در گفتمان آیت الله خامنه ای به دلیل اهمیت ویژه ای که برای جایگاه زن در خانواده و جامعه قائل هستند، نکات فراوانی را در این مورد فرموده اند که می توان به طور مختصر به برخی از آنها اشاره نمود:

۱- زنان و مردان در شأن انسانی مساوی و برابرند، هر چند که در کارکرد ها با هم تفاوت دارند و این تفاوت به دلیل ویژگی های خاص هر کدام، مأموریت و وظیفه ای است که خداوند برای هر جنس مشخص نموده است.

۲- نقش زن در خانواده به عنوان مادر و همسر نقش بی بدیلی است و هیچ جایگزینی برای آن یافت نمی شود.

۳- زنان به عنوان انسان سازان و آینده سازان باید بدانند که مهم ترین وظیفه شان رسالت مادری می باشد و خداوند آن را به عهده آنان گذاشته است، پس باید مراقب باشند که مشغله‌ی زیاد و اشتغال، به این رسالت آسیبی وارد نکند.

۴- حریم زن و مرد در محل کار و تحصیل، و شئون اسلامی همیشه باید در نظر گرفته، و رعایت شود و اشتغال زن در بیرون از منزل باعث اختلاط نشود. اختلاط زنان و مردان در جامعه هم ایمان و تقوا را، و هم انسجام و تحکیم خانواده را به خطر می اندازد.

۵- بر اساس دیدگاه ایشان هر چند که اسلام بر نقش زن در خانواده بسیار تأکید دارد، اما بدان معنا نیست که قائل به محدود کردن زن در خانه باشد. اسلام زنان و مردان را به مشارکت در امور دعوت نموده و وجود هر دو جنس را در پیشرفت جامعه ضروری می داند.

۶- زنان باید مراقب باشند که در حرکت ها و فعالیت های خود دچار انحراف نشوند، زیرا انحراف از خط مستقیم، آنان را از به دست آوردن حقوقشان باز می دارد، همان طور که در غرب، زنان در راه به دست آوردن حقوقشان دچار انحراف شدند و اکنون خانواده و مادری را به ورطه ی نابودی کشانده اند.

۷- ایشان همانند امام خمینی (ره) معتقدند حرکت‌های اجتماعی، بدون حضور زنان با موفقیت همراه نخواهد بود و زنان باعث ارتقا و تکمیل حرکت‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها می‌شوند.

در پایان، با نگاهی به بیانات ذکر شده در گفتمان رهبران انقلاب می‌توان این چنین استدلال کرد که آنچه عناصر دقایق گفتمانی رهبری معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای را تشکیل می‌دهد، ریشه در گفتمان امام خمینی (ره) داشته و به نوعی فقط در مسائل و مشکلات جدید صورت بندی تازه‌ای از آن ارائه گردیده است.

نتیجه‌گیری

گفتمان انقلاب اسلامی بیش از هر چیز از گفتمان دو بزرگوار (امامان خمینی و خامنه‌ای) در این پهنه سرچشمه می‌گیرد. رهبران انقلاب اسلامی توانستند با قرار گرفتن در جایگاه رهبری فرهمند و مورد پذیرش عام، قواعد و قوانین استوار بر خوانش ویژه‌شان از اسلام را در بدنه نظام جمهوری اسلامی به ویژه در عرصه تکریم مقام زنان نهادینه نمایند. جایگاه ویژه امام خمینی و خامنه‌ای ایجاب می‌نماید که پیشینه برآیندهای نظری و رفتاری ایشان دارای درون مایه‌ای ایدئولوژیک باشد. این دو بزرگوار، برداشت ویژه‌ای از فقه و شریعت اسلامی را به دست دادند که همه زمینه‌های زیست انسان را در بر گرفته و ساختارهای گوناگون جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. این اندیشه‌های آرمان‌گرایانه استوار بر اسلام انتقادی، انقلابی، مکتبی و جهادی بود. و در کانون آن، مفاهیم آزادی و برابری را به گونه‌ای خاص و متناسب با آموزه‌های اسلامی تفسیر کردند. اگرچه گفتمان مدرنیزاسیون نیز با تأثیرپذیری از اندیشه‌های غرب و حقوق بشر سعی در دگرگونی دیدگاه منفعل نسبت به زن در جامعه داشتند اما به دلیل ناسازگاری با شرایط اجتماعی حاکم با شکست مواجه شدند و همچنان زنان در حاشیه باقی ماندند. دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای به علت سازگاری با شرایط مخاطبان خود و ویژگی‌های منحصر به فرد گفتمان انقلاب اسلامی مورد استقبال و پذیرش قرار گرفت. دو بزرگوار با مضامینی از قبیل حق انتخاب سرنوشت خود و مملکت، نقش فعال زنان در عرصه سیاسی، شرکت در انتخابات، تعیین مقدرات مملکت، مقابله با ظلم به عنوان عناصری آگاه و آزاد، پیشگامی نهضت، تشجیع مردان در عرصه اجتماعی، سازندگی جامعه و تربیت انسان‌های شایسته اشاره می‌کند. در واقع برخلاف تدریج‌های سنتی که نقش زن را تنها به همسری و مادری تقلیل می‌دادند، این دو بزرگوار ضمن تأکید بر ارزش و اهمیت و کرامت چنین نقش‌هایی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را نه امری حاشیه‌ای و فرعی بلکه مهم و سرنوشت ساز قلمداد نموده‌اند. در این نگاه زن هم عهده دار نقش

سنتی مادری است و هم با رعایت موازین شرعی به منظور حفظ شأن و کرامت انسانی- اسلامی عهده دار نقش‌های مدرنی از قبیل مشارکت سیاسی و اجتماعی است.

به طور کلی، شاکله مرکزی این گفتمان را می‌توان با تأکید بر رسمیت شناختن تداوم مشارکت زنان همانند مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی با رعایت کامل حجاب و دوری از بی بند و باری در راستای پشتیبانی از اسلام و حاکمیت قوانین اسلامی در مقابل دشمنان آن دانست؛ زنی که در پرتو گفتمان انقلاب زاده می‌شود زنی است که چه به لحاظ عملی - سهمی که در پیروزی انقلاب ایفا کرده- و چه به لحاظ نظری - عنایتی که اسلام به زن دارد - نه در فرو دست که در کنار یا فرادست مرد می‌نشیند و نه چونان ضعیفه‌ای مستحق مراقبت در پس دیوارهای خانه که سرشار از شجاعت و آگاهی به مراقبت و ساختن جامعه فراخوانده می‌شود؛ اندیشه ای که دریچه تازه فرا روی موقعیت زنان در جامعه می‌گشاید و وضعیت شیء گشته زنان در دوران پیش از انقلاب را مرهون انفصال از اسلام و اتصال به غرب معرفی می‌کند. بر این اساس زن مسلمان می‌بایست به منظور ایفای نقش‌های ارزشمند مادری و همسری خود در چارچوب خانواده توأم با مشارکت فعال، آگاهانه و سرنوشت ساز در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه خود بر دو محدودیت فائق آید: اول محدودیتی که به واسطه تفکر محافظه کارانه سنتی در قالب عرف‌ها و رسوم اجتماعی - که غالباً با دین نیز بی ارتباطند - زن را از حقوق واقعی اش محروم ساخته و دوم محدودیتی که به واسطه تفکر غربی زن را به وادی ابتدال و شیء وارگی کشانده و او را از آزادی و اصلتش بی بهره می‌سازد.

با توجه به مباحث این پژوهش پیشنهاد می‌شود که علاوه بر تلاش‌های گسترده و مهمی که باید به منظور رفع ضعف‌های موجود در جهت مقابله با تهدیدات کنونی یا در حال ظهور علیه کشور در حوزه ارتقاء تکریم مقام زنان در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی- فرهنگی انجام بشود، باید با برنامه‌ریزی‌های منسجم برای ارتقاء جایگاه زنان در نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توجه داشت؛ زیرا پیش از قابلیت افزایی و به عبارتی تقویت پیش ساخت‌ها، ورود عجولانه به صحنه عملیات در خوش‌بینانه‌ترین نگرش، تأثیرات مقطعی و در نگاهی واقعیت‌انگارانه، پیامدهایی مخربی در پی خواهد داشت.

References

- Aghagul Zadeh, Ferdows (2004). Methodology of Research in Critical Discourse Analysis, Collected Articles of the 6th Conference on Linguistics, Allameh Tabatabai University
- Ajili, Hadi, Ardakani Esmaili, Ali and Yaghineipour, Mostafa (2013), Ayatollah Khamenei Discourse Analysis on Relations with the United States. Islamic Revolution Research, No. 9, Summer.

- Asadi, Naser (2014), Discourse Analysis of Ayatollah Khamenei's Foreign Policy (Interactionism Discourse Against Dominance System). Islamic Political Studies, Second Year, No. 5, Spring and Summer
- Asadi, Naser, Ghanavati, Negar and Rezaei Panah, Amir (2015), an analytical framework for examining the foreign policy dialogue of Imam Khomeini (ideology, strategy and diplomacy). Quarterly Journal of Strategic Policy Studies, Third Year, No 12, Spring, Successive No. 42.
- Bakhtiar, Maryam and Reza'i, Akram (2012). A Survey on the Status of Women in Islam and Christianity, Journal of Women and Culture, Third Year, no. Eleventh. Spring.
- Fakhmazadeh, Mehdi (1996). Role of Verbal Institutions, Master's Degree, Human Sciences Research Institute. Ferkelaf, Norman (2000). Critical Analysis of Discourse, Translated by Fatemeh Shayeste Piran and ..., Tehran: Center for Media Studies and Research. Philips, Lewis and Jorgensen, Marian (2010). Theory and method in discourse analysis. Translation: Hadi Jalili. Tehran: Publishing Ney.
- Fawzi, Yahya (2008). Women and Religious Government in Iran; Study of the Consequences of Islamic Revolution Discourse on the Political-Political Status of Women in Iran ", Matin Scientific Research Journal, p. 39
- Rahmati, Hossein Ali (2007) Female Dignity in Islam and the West Case Study of Imam Khomeini and Feminism, Matin Scientific Scientific Journal, Period 9, 36
- Ghamseri Nikkhah, Narges and Fasaei Sadeghi, Soheila (2012). Women Beyond Traditional Roles: A Survey on the Position of Women in the Word of Imam Khomeini (R), Women's Quarterly in Culture and Arts, Volume 4, Issue 2, Summer.
- Kosari, Masoud, Tafreshi, Amir Ali and Alavi Niko, Masoumeh Sadat (2017), Imam Khomeini (RA), and on the construction of a female identity in the Islamic Revolution: how to interpret the second Pahlavi and the semantic hegemony of Imam Khomeini. Woman in Development and Politics, Volume 15, Issue 3, Autumn.
- Lotfi Poursaadi, Kazem (1993). "An Incredible Thing", Linguistics, no 17
- Marsh, David and Stoker, John (1999). Methodology and Theory in Political Science, Translation by Haji Yousefi, Tehran: Strategic Studies Research Center.
- Khomeini, Ruhollah (2008). Sahifeh Imam, Tehran: Imam Khomeini Institute for Publishing and Editing.
- Rouhani, Hassan (2012), Imam Khomeini's (RA) discourse on national security and foreign policy. Strategic Quarterly, Year 21, No. 65, Winter.
- Soltani, Ali Asghar (2004). Power, discourse and language: mechanisms of power flow in the press. PhD thesis, Allameh Tabataba'i University.
- Laclau, M. and mouffe, C. (1985). Hegemony and Sociologist Strategy, London: verso.
- Portal of Imam Khomeini (2017/8/02), Imam, Women and Time. Written by: Jamila Kadivar, Institute for the Setting up and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Qasemi, Zahra et all. (2016) The Effect of Chastity in Finding Women in Iran's Political Society, Emphasizing the Islamic Republic of Iran, Women's and Society,

- Period 7, Special Letter
 Nikkiah Ghamsari, Narges (2005) and the transformation of attitude towards women and its impact on the Islamic Revolution. Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Center
 car, Mehrangiz (2000), Women, Political Participation, Obstacles and Facilities, Tehran: Enlightenment Publishing and Women's Studies.
 - Tajik, Mohammad Reza (2004). Discourse, Annotation and Politics. Tehran: Institute for Human Sciences Research and Development.
 Tajik, Mohammad Reza and others. (1999). An Introduction to Discourse Analysis, Tehran: Discourse Culture.
 Tebyan (1999). Investigating the role and position of women in the thought of Imam Khomeini, Tehran, Institute for the regulation and publication of works of Imam.
 - The Hadith of Providence (2015), the Supreme Leader's Guide to the Supreme Leader of the Grand Ayatullah Ali Khamenei. Tehran: Islamic Revolutionary Cultural Research Institute - Office of Preservation and Publication of the Great Ayatullah Khamenei.
 - Van Dijk, Thedor (2001). Multidisciplinary CDA: a plea for diversity, In methods of critical discourse analysis, London: Sage.

Archive of SID